



من در طول نهضت و انقلاب به واسطه سالوسی و اسلام نمایی بعضی افراد ذکری از آنان کرده و تمجیدی نموده ام، که بعد فهمیدم از دغلبازی آنان اغفال شده ام. آن تمجید ها در حالی بود که خود را به جمهوری اسلامی متعهد و وفادار می نمایانند و نباید از آن مسائل سواستفاده شود و میزان در هر کس حال فعلی اوست.

تعارف

ماهنامه سیاسی
سال سوم / شماره بیست و سوم
انجمن اسلامی دانشجویان
دانشگاه الزهراء (س)



الله در انتخاب اصحاب خود...

چند سال پس از انقلاب، زمانی که بیماری قلبی معمار کبیر انقلاب اسلامی قلب تمام ملت ایران را به درد آورده بود، مجلس خبرگان لباس احساسات را از تن در آورده و نگران ایران پس از امام بود؛ پس، جلساتی جهت انتخاب رهبر بعدی ایران برگزار شد. نتیجه ی جلسات و شخص مورد تایید اعضای مجلس خبرگان، حسینعلی منتظری بود. فردی که جز استاد دوران تحصیل خود، آیت الله خمینی (ره)، مورد تایید هر شخصیت صاحب قدرتی بود. اما مخالفت شخص اول کشور برای مقامات اهمیتی نداشت و تنها چند بار حاضر به مذاکره با او شدند تا بتوانند خواسته ی آینده نگران خود را به او تحمیل کنند. دلیل مخالفت آقای خمینی با قائم مقامی ایشان نه تنها شناختی بود که از وی داشت بلکه شنیدن زمزمه هایی از دهان فرزند سختی دیده ی انقلاب در باب حمایت ایشان از اعضای سازمان مجاهدین خلق، به خصوص مهدی هاشمی، برادر هادی هاشمی، داماد ایشان، و تیم او بود. شخصی که روحانی سرشناس سیاسی، مرحوم شمس آبادی، و فرزندان ایشان را به قتل رسانده در صورتی که آقای منتظری ادعا میکند وی مرتکب قتل سیاسی نشده است. حمایتی که برای فهم کودکان بودن پایه و استدلالش میتوان از نامه های آقای منتظری به مقامات مختلف در جهت تلاش برای آزادی مهدی هاشمی استفاده کرد، نامه هایی که درک پایین بودن سطح فکری نویسنده آن احتیاجی به دانستن مبانی فقهی و حقوقی ندارد و تنها مبین عدم آگاهی و اندک بودن سطح درک ایشان از پیچیدگی دنیای سیاسی اطراف خود و نفوذ قربان غیر قابل اعتماد بیتشان در واکنش های وی و استفاده ی دشمن از سخنان و مواضع ایشان علیه جمهوری اسلامی بود.

تأثیری که امام را وا میدارد تا از ایشان بخواهد بیت خود را از افراد منافق تطهیر کند. همچنین مخالفت آقای منتظری با اعدام دسته جمعی منافقان زندانی در

سخن سردبیر
چرا برخی از انقلابی ها پیشیمان می شوند؟
راز فرسوده نشستن و حفظ نشاط و انقلابی گری چیست؟ راز به فروپاشی نرسیدن تمدن ها چیست؟
چگونه می شود هم مدیر و نظام ساز بود، هم انقلابی و اهل تغییر؟
نظریه نظام انقلابی
راز این همه در یک مفهوم است: آوآب
انقلابی هایی که آوآب نباشند، جامعه ای که آوآب نباشد، سرنوشت او حتما افسردگی و پیشمانی و فروپاشی است.
آوآب یعنی «بسیار بازگشت کننده»؛ بازگشت کننده به سوی خدا. حضرات داود و سلیمان که از بین تمام انبیاء توانستند حکومت تشکیل دهند با آن همه قدرت و عظمت، در سوره «ص» به عنوان آوآب معرفی شده اند. مردم عصر ایشان هم این ویژگی را داشتند که موفق به تشکیل حکومت دینی شدند. اما وقتی این ویژگی در آنها ضعیف شد، مملکت سلیمان از بین رفت: مسئول در حکومت دینی باید بسیار محتاط باشد. هر تصمیمی که می گیرد، هر اقدامی که می کند، باید ظن فتنه در آن داده و استغفار کند، و بازگشت دائمی به درگاه الهی داشته باشد. این حالت برای انسان مومن را «إِنَابَه» می گویند.
به زنبور عسل «توب» می گویند چون هر کجا که رفته باشد، دست آخر به کندویش باز می گردد. مسئول در هر سطحی از مسئولیت و اشتغال، باید بازگشت دائمی داشته باشد؛ به درگاه الهی.
شوخی نیست! هر کسی از راه رسید و مراتب اداری را طی کرد و زرومه ای تدارک دید، بشود مسئول! ویژگی اصلی مسئول در حکومت دینی، قلب منیب است. امام خمینی آوآب بود. آن مرد خدا شسب هایی مثال زدنی داشت. این نبود که چون رهبر و امام جامعه است روز و شب فقط کار کند و با استفاده از تدابیر مدیریتی سکان جامعه را در دست گرفته باشد. هیچ علم مدیریتی نمی تواند امامت را تئوریزه کند. چرا که بخش مهمی از نظام امامت، آوآب بودن است. شب ها به قدری می گریسته که به جای دستمال مجبور بوده با حوله اشک های خود را جمع کند؛ امام است که باشد، داود (ع) هم باشی با آن همه عظمت و قدرت و حکمت، باید به درگاه الهی افتاده، إِنَابَه کرده، و آوآب باشی. لزوما گناهی نکرده که توبه کند، اما انابه را باید داشته باشد. راز تداوم مقتدرانه امامت امام خامنه ای و جشن چهل سالگی انقلاب در همین آوآب بودن او و مؤمنین انقلابی است.
اعتکاف یکی از بهترین آوردگاه ها برای قلب منیب است. مناسک وارده در سه ماهه رجب، شعبان و رمضان بهترین موقعیت برای انابه را فراهم کرده اند و مسئول در حکومت دینی بیش از همه به آن نیاز دارد.

آنچه بی تعارف خواهید خواند:

- ۱. الله در انتخاب اصحاب خود
- ۲. سین هشتم
- ۳. آمال زمامداران
- ۴. بلندی های جولان
- ۴. آخرین میخ تابوت

دو روز بعد در هشتم فروردین، منتظری، مولف چهار جلد کتاب در باب ولایت فقیه، برای آخرین بار از فرمان امام اطاعت کرد و از سمت دومین شخص مملکت استعفا داد و پس از آن به بهانه ی تطهیر بیت خود از منافقان، افرادی که از تصمیم امام درباره ی برکناری منتظری از قائم مقام رهبری ناراضی نبودند برکنار شدند و خود ایشان نیز تا سال ۱۳۷۶ که به پنج سال حصر خانگی محکوم شد، خبر مهمی از خود منتشر نکرد تا اینکه باز خوی اشعریت خود را نمایان و همانطور که ابوموسی در جنگ صفین با ساده لوحی خود، خسارت جبران ناپذیری به مسلمین وارد کرد، منتظری نیز در سالهای اخیر عمر خود مردم و سیاستمداران ایران را به شورش علیه رهبر وقت یعنی آقای خامنه ای ترقیب کرده و از آشوبگران سال ۱۳۸۸ حمایت کردند. سرانجام پس از خدمات بی در پی و ارزنده ایشان به استکبار، دار فانی را وداع گفته و با به جا گذاشتن میراث دیدگاه منفی به سواد و توانایی ذهنی روحانیت در بین مردم، از دنیا رفتند.
«پس با عزمی درست، عقلت را مقید و پابرجا نما و اختیار خود را در دست گیر و بهره و نصیب خود را بگیر و انجام بده، پس اگر از این امور کراهت داری از کاری که به عهده ات قرار دارد، کنار برو، بی آنکه برایت گشایشی یا راه نجاتی بوده باشد، که شایسته چنان است که هر آینه و البته دیگران این مهم را در حالی که تو در خوابی، به انجام رسانند، تا آن حد که هیچکس نتواند و نپرسد که فلانی کجاست؟ به خدا قسم که به راستی جنگ با آن گروه بر حق بوده و همراه با امامی بر حق و ما از آنچه منحرفان از راه حق انجام می دهند، یاکمی نداریم. و سلام بر پیروان راه حق.»
بخش پایانی نامه امام علی (ع) به ابوموسی اشعری جهت عزل او از حاکمیت کوفه

نوروز و نوایمی متفاوت با سال های گذشته، اتفاقی که سازمان هواشناسی ما از آن با عنوان جهشی عجیب نسبت به نیم قرن اخیر یاد می کند و اینک آغاز می کنیم غصه نا تمام ۹۸ را؛ سیل. آنچه در این گزارش می خوانید ماجرای آدم های شهری است که کمتر از ۲۴ ساعت گردش این ماه گردون روایت زندگی شان را تغییر داده، پازلی است با تکه های متفاوت که هر کدام جزئی از کل را تشکیل داده و تاثیر خود را می گذارند؛ از خارجی تا داخلی، از بزرگ تا کوچک، از عوام تا خواص، از سیاسی تا خاکستری، از راست تا چپ، از همه مهمتر از هنرمند تا سلبریتی ها، از عد ها تا ادعا ها.

در نخستین روز ها از بهار ۹۸ سیل به مناطق شمالی کشور از جمله استان گلستان و مازندران همچنین مناطق جنوبی از جمله خوزستان ورود پیدا کرد و ویرانی های بسیاری را به دنبال داشت، از روز های ابتدایی جاری شدن سیل خبر فوت ۹ نفر در استان های مختلف اعلام شد. استان های مازندران ۵ نفر، گلستان ۲ نفر و خراسان شمالی نیز دو نفر. این آمار ها ادامه پیدا کرد تا در روز های بعدی به ۷۸ نفر رسید. آمار مصدومان، ۱۱۳۷ نفر اعلام شد. حالا با اوضاع پیش آمده وزرا و سیاستیون ما هر کدام به زعم خود اقداماتی انجام دادند.

وزیر آموزش و پرورش اعلام کرد: در آینده بیمه خانه معلمان را اجباری می کنیم و پرداخت مطالبات و معوقات فرهنگیان که در حادثه سیل آسیب دیده اند باید در اولویت قرار گیرد. همچنین گفت برنامه ویژه ای برای دانش آموزان مناطق سیل زده داریم. برخی مدارس آسیب دیده باید تخریب شوند. دانش آموزان مناطق سیل زده که در امتحانات خرداد نمره نیاورده و در امتحانات نوبت های بعدی قبول شوند برای آنها نمره قبولی ثبت می کنیم.

وزیر صنعت: ۴۵ میلیون تومان وام کم بهره به واحد های صنفی خسارت دیده پرداخت می شود. در سیل اخیر در کشور ۲ هزار میلیارد تومان به واحد های صنعتی، خسارت وارد شد.



سین هشتم

وزیر رفاه: خانوار های تحت پوشش صندوق بیمه اجتماعی کشاورزان، روستاییان و عشایر در "معمولان" و "پلدختر" که از سیل آسیب دیده اند، یک ماه حقوق به صورت اضافه به حساب این خانوار ها واریز می شود. که محل تامین آن از صندوق بیمه اجتماعی کشاورزان، روستاییان و عشایر بده است.

وزیر نفت هم اعلام کرد که بر اساس برآورد های اجمالی سیل هزار میلیارد تومان به تاسیسات صنعت نفت آسیب زده است. رهبری با درخواست رئیس جمهور مبنی بر برداشت مبلغی از صندوق توسعه ملی برای مناطق سیل زده موافقت کرده است و گاز هیچ روستایی به دلیل سیل قطع نشده.

وزیر امور خارجه هم در توییتهای گفت: تحریم های آمریکا در کمک رسانی حلال احمر ایران، به مناطق آسیب دیده از سیل اخلال ایجاد کرده است. از جمله اقلام ممنوعه بالگرد های امداد. این جنگ اقتصادی نیست، تروریسم اقتصادی است.

اما برویم سراغ قوه قضائیه که این روز ها با تغییر رئیس آن و اقدامات وی بازار برای اعضای در حاشیه بسیار گرم شده است. ریاست این قوه با اعطای ۱۵ روز مرخصی به زندانیانی که خانواده آنها در استان های سیل زده زندگی می کنند و خانه و زندگی آنها آسیب دیده است، موافقت کرد. همچنین وی به قاضی سراج و مسئولین قضائی استان های سیل زده خواست تا ضمن حضور فوری در مناطق سیل زده ابعاد حادثه را مورد نظارت و ارزیابی قرار دهند.

این وسط ذره بین افراد چرخی زد و باز هم به یکی از پر حاشیه ترین نهاد های کشور یعنی سپاه رسید.

و اما تشریح اقدامات سپاه در سیل اخیر:

- رصد پهبادی ۲۴ ساعته و به کار گیری ۲۷۰ فروند شناور در مناطق سیل زده، جمع آوری کمک های مردمی، فراهم کردن امکانات ترابری و ارسال و توزیع کمک ها

- اعزام پاسداران، بسیجیان و گروه های جهادی - استقرار سه بیمارستان صحرایی توسط نیروی زمینی سپاه

- به کار گیری واحد های مهندسی نیروی زمینی سپاه برای ایجاد و ترمیم سیل بند ها، حفر کانال، ساخت پل و..

سینما و دست آخر سلبریتی هایی که در تمام عرصه ها حضوری متفاوت دارند؛ پرننگ یا کمرنگ، بی صدا یا پر صدا، بی ادعا و البته گاهی پر مدعا. عده ای از هنرمندان با حضور در سینما آزادی مشغول به جمع آوری اقلام مورد نیاز افراد سیل زده شدند. همچنین با تصمیم عوامل فیلم "متری شیش و نیم" تمام فروش روز شنبه، سوم فروردین ماه در سینما آستارا به سیل زدگان تقدیم شد.

عده ای دیگر پوتین های خود را پوشش داده و آماده خدمت میدانی به سیل زدگان شدند مثل هدیه تهرانی که اصرار داشت خدمات او پنهان بماند. سردار آزمون هم به مناطق سیل زده رفت. محمد رضا گلزار یکی از کنسرت های خود را برای ابراز همدردی لغو کرد.

اما این تمام ماجرا نبود و برخی واکنش های سلبریتی ها انتقاد بسببیری را برانگیخت.

مهران مدیری در قسمتی از برنامه دورهمی با عنوان امید افزایی با بیان این که شکل حضور یکی از خبرنگاران در سیل سخره آور است از حد انصاف عبور کرد تا جایی که با انتقاد تند وزیر کشور هم مواجه شد. نظرات مردمی هم درباره عملکرد سلبریتی ها جالب بود. به طور مثال دکتر موسی طلبه پزشکی در صفحه اینستاگرام خود نوشت:

یکی از سلبریتی ها آمده بود توی معمولان داشت بسته غذایی پخش می کرد. تا منو دید گفت آقا به دوستات بگو عمامه هاشونو این جا بردارن. گفتم چرا؟ گفت خب ریا نمیشه حاج آقا؟

گفتم این لباس ماسکت و این جوری بهشون میگی ما کنار تون هستیم. حالا شما بگو برا چی اومدی خودت نشون بدی؟ گفت حاجی قیافمو که نمی تونم عوض کنم! گفتم چرا نمیشه؟ به ماسک پزشکی بزن رو صورتت خدماتت رو بده و برو!!

برخی نیز در واکنش به اظهارات سلبریتی ها در راستی آزمایی کمک های نیرو های مذهبی و سپاه و ارتش و ... گفته بودند: «ماهیت وجودی سلبریتی ها پر از حب و بغض های نفرت انگیز شده، حتی نمی خواهند خدمت رسانی کمک های مردمی را ببینند و به دنبال سیاه نمایی هستند»

در سیل اخیر هر گروهی به نوبه خود کمک هایی کرد اما همیشه گروه هایی هم هستند که به وقت حوادث این چنینی دنبال انتقامند! انتقام سیاسی! به راستی ما را چه شد که از آب گل آلود سیل و زلزله و آوارگی هموطنانمان هم ماهیگیری سیاسی می کنیم.

- بازگشایی مسیر های اصلی ارتباطی - ساخت پل های ۱۹ گانه در استان های گلستان - به کار گیری ۵۶۳ دستگاه ماشین آلات مهندسی و نیز به کار گیری بالگرد های هوانیوز به منظور جا به جایی.

- ترمیم و احداث سیل بند ها، تامین آب شرب سیل زدگان

کمک های مردمی هم در این جریان جلوه های خاص خود را داشت. رئیس کمیته امداد با حضور در مناطق سیل زده اعلام کرد: تا ۱۸ فروردین ماه مردم ۴۳ میلیارد تومان به کمیته امداد برای هموطنان سیل زده کمک کرده اند.

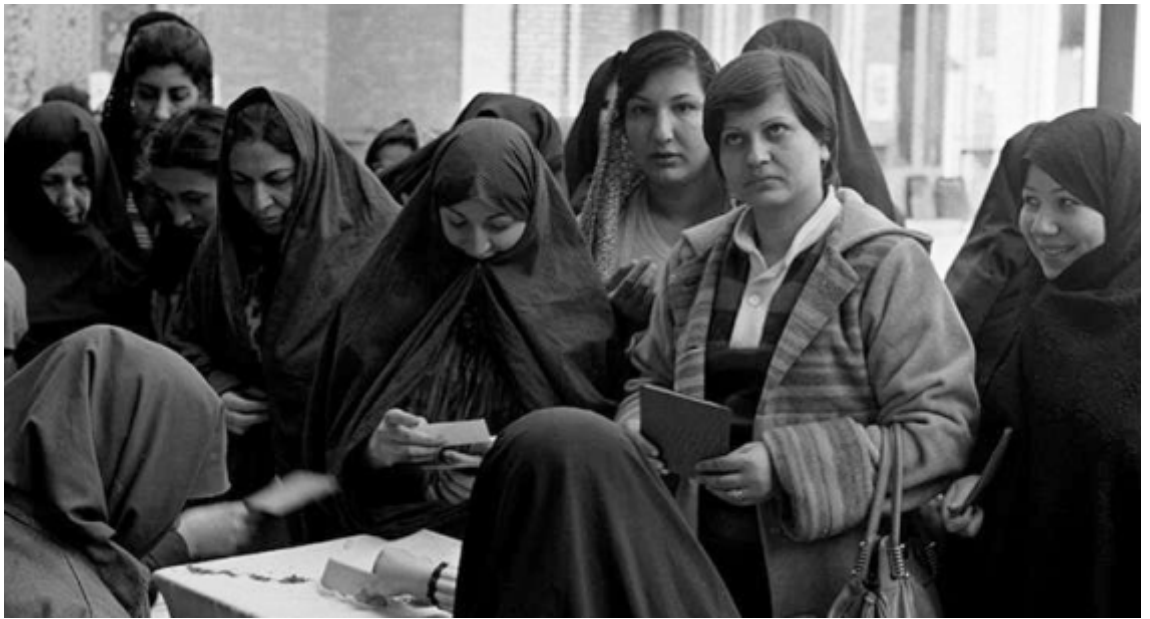
مراجع تقلید نیز همکاری خود را اعلام کردند. آیت ... نوری همدانی، آیت ... مکارم شیرازی، نماینده آیت ... سیستانی و همچنین جمعی از علمای قم با اختصاص کمک های خود به کمیته امداد در ارائه خدمت به هموطنان سیل زده مشارکت کردند.

اقدامات خارجیان نیز به کمک سیل زدگان کشورمان آمد. دبیرکل حزب وحدت مسلمین پاکستان کمک به سیل زدگان ایران را وظیفه شرعی مسلمانان پاکستان اعلام کرد. هلال احمر عربستان سعودی و امارات متحده عربی اعلام کردند که با تکیه بر اصول برادری اسلامی و با هدف کاهش رنج سیل زدگان در ایران کمک هایی را به آنها اختصاص خواهند داد.

به گزارش سنی ان ان پاپ، رهبر کاتولیک های جهان نیز مبلغ ۱۰۰ هزار یورو برای قربانیان سیل ارسال کرده که با کمک دفتر نمایندگی واتیکان در تهران، توزیع خواهد شد.

همچنین کمک هایی از مرز عراق به خوزستان و شهر های اطرافش که دچار سیل شدند وارد شده و اعلام شد موبک های اربعین این بار آماده خدمت رسانی به سیل زدگان هستند. همچنین حضور برخی فرماندهان حشد الشعبی در بین سیل زدگان نیز از بحث های داغ این روز ها بود.

ژاپن نیز کمک های بشر دوستانه شامل ۱۹۰ چادر و ۱۱۵۰ تشکچه به سیل زدگان فرستاده است. و اینک می رسیم به هنرمندان، اهالی خانه



آمال زمامداران

نخستین روزهای بهار چهار دهه ی قبل در ۱۲ فروردین ۵۸ مردم ایران که به تازگی موفق به سرنگونی سلطنت پهلوی شده بودند باید دست به انتخابی می زدند که نادرترین حکومت جهان را پدید می آورد. جمهوری اسلامی که به نحوی در جهان نظیر نداشت و سنگ بنای آن تفسیر سیاسی از اسلام بود و مصادیق طاغوت را در معادلات قرن بیستم آشکارا معرفی می کرد. حکومتی که قصد داشت اراده ی الهی را در برابر خواست بشریت قرار دهد و بجای فلسفه ی اومانیستی انسان مدار، خدا محسوری را پدید آورد و یک حاکمیت الهی که برای ۱۴۰۰ سال پرده نشین جهل سیاسی مسلمانان بود را احیا کند. سال ها پس از فرماندوم عمومی جمهوری اسلامی بسیار بودند کسانی که شروع به قلم زنی درباره ی شرایط روانی حاکم بر ایران سال ۵۸ کردند در مورد اینکه در آن زمان مردم تحت تاثیر جو حاکم بر کشور و کاریزمای بی نظیر آیت الله خمینی که حتی امثال طیب حاج رضایی را شیفته ی خود می کرد به حکومت بر مبنای اسلام رای آری دادند. در این زمینه ذکر خاطره ای از مرحوم هاشمی رفسنجانی به عنوان راوی همواره حاضر وقایع دهه ی اول انقلاب اسلامی خالی از لطف نیست: گروهها، تلاش داشتند که چنین القاء کنند که مردم آن روز آگاه نبودند و مخالفی نبود

و چون امام گفتند، مردم به جمهوری اسلامی رای دادند اما واقعاً این طور نبود. آن روزها، هم مردم آگاه بودند، هم تبلیغات مخالفان جدی بود و حتی ارگان اجرایی انتخابات یعنی اسـتـانداربها، فرمانداربها و بخشداران، اکثرآ در اختیار طرفداران نهضت آزادی بود که قاعدتا با آن نظراتی که داشتند، از مخالفان اسم جمهوری اسلامی برای نظام جدید تلقی می شدند. ده ها گروه چپ گرا و ملی گرا و انواع انجمن های ریز و درشت، همگی مجله یا روزنامه داشتند و اکثر اینها مخالف بودند و می گفتند که حکومت جمهوری یا جمهوری دموکراتیک، چپی ها می گفتند جمهوری خلق یا چیزهایی از این قبیل، این طور نبود که مخالفتها و حرفهای مخالفان به گوش مردم نرسیده باشد و دیگران نرسیده باشد. (منبع: کتاب هاشمی رفسنجانی، کارنامه و خاطرات ۵۸-۱۳۵۷، انقلاب و پیروزی، زیر نظر عباس بشیری)

اما چرا این اتفاق در فاصله ی کمتر از ۳ ماه از نابودی رژیم طاغوت رخ داد، شاید عمده دلیل این مسئله را بتوان به سرگذشت تلخ شیعه از گذر ایام و نسیان حوادث ربط داد. برای تثبیت یک انقلاب در عمق قلب ملت ها سه مسـئـله پیش روی رهبران ایدئولوژیک قرار دارد. در ابتدا تجربه ی تاریخی اثبات کرده است که تغییر صرفا با نهضت های روشنگری همچون اقدامات سید جمال الدین اسد آبادی به نتیجه ی دلخواه نمیرسند و فقط به روشنگری برای خواص ختم میشود اما یک انقلاب توده ها را به شهرآشوبی مبتلامی کند که منتها الیه آن تغییرات اساسی است. مسئله ی متعاقب آن نسل بندی یک انقلاب است اگر پس از حذف یا دلسرد شدن نسل اول انقلاب جانشینانی برای آنها تربیت نشده باشند همچون انقلاب کبیر و مردمی فرانسه خیلی زود کشور به ده ها قدم قبل می رود و سلطنتی دوباره به مردم تحمیل میشود.

حال با این پدیده چه باید کرد. پیامبر عظیم الشان اسلام حتی در بستر بیماری هنگامی که سایه ی عزرائیل روی بستر او بود هم تلاش می کرد واقعه ی غدیر را یادآوری و ثبت کند. هر چند که اطرافیان آخرین سخنان او درباره ی حکومت را تعبیر به هدیان گویی بیماران کردند. در خطبه ی فدکیه؛ ایشان خطاب به یاران پیامبر(ص) عرض می کنند که شما فراموش کرده اید روزگاری را که برای دفاع از قرآن شمشیر می زدید و اکنون تحت لوای حکومت باطل قرار دارید(نقل به مضمون). بنا براین پیش از آن که از روزگار مبارزات کف خیابانی فاصله گرفته میشود لازم بود که مجدداً مردم وارد امر حکومت شوند و با رای خود به آن مقبولیت ببخشند در واقع اصلی ترین کار برای بقای یک نهضت احساس مالکیت توده ی مردم نسبت به اصل و اساس آن است. اگر مردمان صدر اسلام حکومت بهترین یاور رسول الله(ص) یعنی امیرالمومنین(ع) را حق خود می دانستند و برای آن قیام می کردند، در اثر فراموشی این حقیقت غدیر سبز به عاشورای سرخ ختم نمی شد. مردم ایران طی یک دهه جنگ به واسطه ی ریختن خون بهترین جوانان خود نسبت به همه چیز این انقلاب احساس مالکیت پیدا کردند و برای نسل های پس از سالیهای جنگ هیچ چاره ای برای دوام این احساس وجود ندارد مگر پرورش بینش سیاسی مردم در تشخیص دوست و احساس دائمی حضور دشمن. مردم زمان امام حسن مجتبی (ع) از سال های هجرت و جهاد برای تثبیت دین دور شده بودند و از بینش سیاسی نیز تهی و این مقدمات کار را به جایی رساند که حتی در کشیدن سجاده ی امام معصوم جری شوند.

پس به هر جهت آیت الله خمینی به گذشته و آتیه اشرف داشت و رابطه ی بین دولت مدنظر خود و ملت خود را در طول یک دهه بارها و بارها تحکیم کرد. هر سال از دهه ی شصت به تحکیم وحدت دولت و ملت گذشت، در کنار جنگ، جمهوری اسلامی به صورت متوسط هر سال یک انتخابات را به موقع و با مشارکت بالا برگزار می کرد

و بهمن ماه هر سال جشن مردمی پیروزی انقلاب در کشور رخ می داد هر بار امواج گفت و شنود از سیاست و احساس مالکیت مردم نسبت به آن چه رخ داده بیشتر میشد به نحوی که یه دهه پس از بهار سال ۵۸ در سال ۶۸ حتی پس از رحلت امام خمینی(ره) مردم مجدداً در فرماندوم قانون اساسی رای آری دادند.

اکنون جمهوریت و اسلامیت در کشور ما به ادغام رسیده اند. از سوی جمهوریت ناظر بر مشارکت مردم در انتخاب کارگزاران است و از سوی دیگر اسلامیت نیز در جهت نظارت اسلام بر انجام امور عمل می کند. البته این موضوع هم به صورت قابل توجهی همواره اسباب مناقشه ی اصحاب سیاست بوده است در واقع تصور آن ها از جمهوریت این می باشد که مردم حتی دانای کل نسبت به اسلام را هم انتخاب کنند. یعنی عامه ی مردم را در حالت اسلام شناسی تصور کرده اند! که پرداختن به این موضوع نیاز به مباحثه طولانی تری دارد. و مناقشه ی بعدی نیـمـز که این روزها نقطه ی جدال جدیدی بین اردوگاه های سیاسی چپ و راست می باشد بحث نظارت بر انتخاب مردم برای مشارکت در حکومت است. اما اگر دقیق تر نگاه کنیم برای حل این چالش نیـیـاز به حذف نظارت (شورای نگهبان) نیست بلکه لازمه ی آن احیای حزب گرایی در ایران می باشد. چنانچه زمامداران نزد مردم با شناسنامه ی حزبی معرفی شوند نه برچسب های شخصی دیگر بحثی بر سر حذف افراد باقی نمی ماند و در آتیه بینش سیاسی مردم را نیز تقویت می کند و مردم به ایدئولوژی احزاب برای اداره ی کشور رای خواهند داد نه به پروپاگاندای اشخاص سیال میان این جناح و آن جناح و از سوی نیز روشن میشود که در چهار دهه ی گذشته تمام احزاب دوره هایی پست های سیاسی را در دست داشته اند.

در حال حاضر جریانی که آیت الله خمینی آن را آغاز کرد همواره آمال زمامداران راستین آن یعنی ولی فقیه و افراد قراره گرفته در خط فکری او، تحکیم علقه ی بین دولت و ملت بوده است با هدف اینکه به فاصله ی فرسخ ها راه طی نشده دنباله روی حکومت پنج ساله ی عدالت باشد، رویایی که در شرایط داخلی بسیار دور به نظر می رسد اما در پهنه ی جهان امروز امید اتصال این انقلاب ها به انقلاب جهانی حضرت موعود(عج) آرزوی محالی نیست.

بلندی های جولان

یکی از مناطق حساس نظامی در خاورمیانه بلندی های جولان است که در ۷۰ کیلومتری شهر دمشق در سوریه قرار دارد. در جنگ شش روزه در سال ۱۹۶۷ این بخش از سوریه به اشغال رژیم صهیونیستی درآمد. اسرائیل در سال ۱۹۸۲ این مناطق را به عنوان بخشی از خاک خود اعلام کرد که این اقدام هیچگاه مورد تأیید سازمان ملل متحد قرار نگرفت. در ۲۱ مارس ۲۰۱۹ رئیس جمهور ایالات متحده ی آمریکا طی پیامی در توئیتر گفت: ((پس از ۵۲ سال زمان آن فرا رسیده که ایالات متحده به طور کامل مالکیت اسرائیل بر بلندی های جولان را به رسمیت بشناسد، که اهمیت استراتژیک و امنیتی مهمی برای کشور اسرائیل و برای منطقه دارد.)) حال این سخن دونالد ترامپ باعث از سر گرفتن بحث و مناقشه درباره ی این منطقه ی استراتژیک در دل غرب آسیا شده است. برخلاف اعتراضات بین المللی و حتی مخالفت های جهان غرب، آمریکا بر موضع خود اصرار می ورزد. ایالات متحده در سالهای گذشته به قطعنامه های سالیانه (اشغال جولان سوریه)) رای میداد اما دولت ترامپ رویه خود را تغییر داد و حتی طی گزارش اخیر نقض حقوق بشر از واژه اشغال برای بلندی های جولان

استفاده نکرد. بنابراین اینطور به نظر می رسد که این اقدام دونالد ترامپ دارای ابعادی است. یکی از این ابعاد به وقوع پیوستن این اتفاق پیش از برگزاری انتخابات پارلمانی رژیم صهیونیستی است که تقویت جایگاه بنیامین نتانیاهو و پیروزی وی در انتخابات را در پی داشت. از بعد دیگر تأکید بر توسعه رژیم صهیونیستی و از بین بردن تمامی قطعنامه های سازمان ملل متحد در این خصوص بود قطعنامه هایی که بلندی های جولان را اراضی متعلق به سوریه می دانند.

در واقع اقدامات ترامپ با هدف توسعه رژیم صهیونیستی و عدم به رسمیت شناختن دو دولت فلسطینی و یهودی و پایان بخشیدن به راه حل دو دولتی است. همچنین تأکید آمریکا بر این موضوع که آمریکا پایبند به امنیت رژیم صهیونیستی است. این ادعای ترامپ درباره ی بلندی های جولان مصداق بارز نادیده گرفتن حقوق مردم منطقه است و به نا امنی منطقه می افزاید. شاید بتوان گفت که این تلاش های نمادین و معنادار آمریکا و رژیم صهیونیستی به نا امید بودن آنها و قصد برای ادامه حیات سیاسی خود اشاره دارند. به نظر می رسد دولت سوریه برای باز پس گیری جولان به دلیل شکست خوردن در جنگ شش روزه با رژیم صهیونیستی کاری انجام نداده و نمیتوانست برای باز پس گیری اراضی اشغالی جولان اقدام کند. امروزه رژیم صهیونیستی مسلح به ذرات خانه های اتمی است. ارتش بی رحمی دارد و در صورت بروز جنگ مسلما با نیروی زمینی خود وارد مبارزه با سوریه نمی شود چه بسا در این هنگام سوریه را بمباران کنند. کما اینکه بعید نیست از بمب اتم استفاده کنند. حاکمان و دولتمردان سوریه در شرایط حساس کنونی



سوریه که دارای ضعف داخلی و از گسستگی، از هم پاشیدگی ارتش است بنظر می رسد نباید با رژیم صهیونیستی وارد جنگ شود. در این قسمت شاید دولت سوریه بتواند با استفاده از تجارب همسایگان خود در شکست دادن رژیم صهیونیستی برای باز پس گیری جولان اشغالی استفاده کند. اراضی هایی مانند صحرای سینا در مصر و جنوب لبنان که اشغال شده بود ولی میبینیم که لبنان توانست این اراضی اشغال شده را پس بگیرد اما مصر موفق نشد.

دولت لبنان اعلام میکند که ما وارد جنگ با اسرائیل نمی شویم و با آن جنگی نداریم هرچند که جنوب لبنان اشغال شده و به تمامیت ارضی لبنان تحدی شده است و به سازمان ملل متحد شکایت میکنیم ولی فعلا برای باز پس گیری جنوب لبنان اقدامی نمیکنیم. اما در عین حال دولت لبنان همه حزب های سیاسی را خلع سلاح کرد. به جز حزب الله چون میدانست که حزب الله برای رسیدن به منافع خود گرفتن قدرت در

اصلا از رهگذر همین ارتباطات بود که سودانی ها با تفکرات اخوانی آشنا شدند و عمر البشیر با تکیه بر این ارتباطات و تفکرات بود که توانست ۳۰ سال بر اریکه قدرت تکیه بزند.

پرده چهارم: هیاهو برای هیچ
سودان کشوری وسیع است که یک سر آن به جنگلهای استوایی و یک سر آن به صحرای بزرگ میرسد. قسمت جنوبی سودان که بعدها استقلال یافت و جدا شد به کشور سودان جنوبی معروف شد و همواره یکی از تهدیدات اصلی برای حکومت سودان به شمار می آمده است. ذخایر نفت سودان جنوبی همواره موضوع نزاع بین دو کشور بوده است چراکه البشیر معتقد بود که سودان جنوبی با ندای تجزیه طلبانه اش باعث شد که مردم سودان از مواهب درآمد نفت بی نصیب بمانند و مشکلات اقتصادی بر مردم تحمیل شود.

به دلیل موقعیت استراتژیک سودان در نوار مقاومت و پل ارتباطی امن ارتباط با اراضی اشغالی، این کشور همواره در سیاست های خارجی ایران به عنوان یک وزنه تأثیر گذار در نظر گرفته میشده است. پس از حمله جنگنده های اسرائیلی به پایگاه های اسلحه سازی یرموک خارطوم سودان در سال ۲۰۱۳ که مرکز مهم ارسال اسلحه و مهمات به اراضی اشغالی فلسطین و حماس بود، این ایران بود که با اقدامات نامتقارن و نیابتی خود، اسرائیل را وادار به عقب نشینی کرد تا جاییکه روسیه میانجی شد و به طرف ایرانی اعلام کرد که اسرائیل پیام شما را بخوبی دریافت است و نیازی به حریف طلبیدن در منطقه نیست. اما این حمله اسرائیلی ها و نمایی های البکیر (وزیر امور خارجه سودان)، البشیر را متقاعد کرد که برای حفظ و دوام قدرتش از ایران فاصله بگیرد و به حاشیه امن عمواسم پناه ببرد. به همین منظور با عربستان



آخرین میخ تابوت

پرده اول: ۱۹۸۹
صادق المهدی سالهایی را به یاد می آورد که این چکمه پوش جوان پیش چشمانش قدم رو میبرد و در محضرش تلمذ میکرد. آنچه در مقابل دیدگانش رقم میخورد چیزی نبود که او برای حاصل عمرش پیش بینی میکرد. چکمه پوش جوان جای کهنه سرباز را گرفته بود و حالا البشیر بود که به زور سرنیزه بر سودان حکم میراند. صادق المهدی کسی بود که البشیر را بال پرواز داده بود اما نمک خورده نمکدان شکست و کهنه سرباز به جایی در تاریخ پر فراز و نشیب زندگی های گود قدرت پرتاب شد.

پرده دوم: ۲۰۱۹
پنج شنبه عجیبی است. درست در سی امین سالگرد قبضه قدرت توسط چکمه

سعودی همصدا شد تا شاید بتواند از نمد یمن برای خود کلاه بیسازد. اما داخل شدن در جنگی که بر علیه مسلمانانی بود که بر باب المندب سیطره داشتند و بالطبع آن رابطه خوبی با سودان جنوبی نفت خیز داشتند، دروش عاقلانه ای برای دفع سایه شوم براندازی از دولت مرکزی سودان نبود

پرده پنجم: تمنای محال
تحولات درون سودان به تندی و با شتاب سرسام آوری در حال انجام است. بدنه اجتماعی کودتا ۱۹۸۹ البشیر از کهنه سربازی که شب ها از ترس براندازی سر بر بالین میگذارد و از عقرب جراه به مار غاشبه پناه میبرد به ستوه آمده اند. و به چکمه پوش جوان دیگری دل بسته اند که دست پرورده کهنه سرباز است و قوانین و قواعد نمکدان شکستن را از استادش بخوبی فرا گرفته است. جهان عرب بر تمنای محال احیا امپراتوری عربی خود میکوشد و در این راه از هیچ دور باطلی فروگذار نمیکند. اما به زعم من آخرین میخ تابوت بر این تمنای محال زمانی زده شد که به سان سالهای صدر اسلام، گروهی مسلمان در مقابل گروه مسلمان دیگری صف آرایی کردند و وارد در جنگ برادر کشان شدند.

anjomani_uzhahra
@anjomanzahra
anjomanzahra